

فهرستنامهٔ اهم متون کشاورزی در زبان فارسی

این نوشته را در اجابت پرسش برادر خود، مهندس نادرافشار، تهیه کردم و در مجلهٔ "مسائل کشاورزی ایران" چاپ شد. چون مبحثی است از کتابشناسی ایران و قطعی است که خوانندگان "آینده" می‌توانند به تکمیل آن مدد برسانند درینجا با بعضی تجدید نظرها به چاپ می‌رسد. آینده

متون کهن کشاورزی سنتی در زبان فارسی چندان متعدد نیست و چون مسائل کشاورزی ایران قصد دارد منابع و مدارک گذشته را بازشناسی کند پس مناسب دیده شد که فهرستنامه‌ای از اهم متون فارسی در کشاورزی به دست داده شود. در این معرفی نظر برکتبی است که تا قبل از مشروطیت و رواج یافتن کشاورزی جدید و نگارش کتب به اسلوب نوین شده است. این نوشته برای کهنه نمائی نیست. کهنه‌شناسی است، که هرگز بدون توجه عمیق به گذشته و شناخت واقعی و علمی آن، ساختن آینده امکان ندارد.

متون منفرد ایرانی

۱- قدیمی‌ترین متن بازمانده در کشاورزی کتابی است گرانقدر به نام "ورزنامه" که مؤلفش شناخته نیست ولی اسلوب نثر کهنه‌اش و سبک سامانی وارش گواهاست بر قدمت آن. نسخه‌ای از آن که ظاهراً منحصر به فردست و بهر حال تا این زمان نشانه دیگری از نسخه دیگرش بدست نیامده است متعلق است به دوست نازنینم حسن عاطفی دبیر گرامی و فاضل کاشان. ایشان مقاله‌ای متع و گویا درباره کیفیت این متن و استدلال در خصوص قدمت آن (که به زعم ایشان از قرون چهارم و پنجم هجری است) به خواهمش من نوشت و به مجله راهنمای کتاب لطف کرد و در آن مجله به سال ۱۳۵۰ (سال چهاردهم صفحات ۷۶۷ پیوسته) طبع شد.

آقای عاطفی از آن پس به استنساخ و تصحیح متن پرداخت و توانست آن را برای چاپ انتقادی آماده کند و اینک که این سطور نوشته می‌شود متن دست نویس ایشان در اختیار من

است تا به وسیله بانی علاقه مندی به طبع آن اقدام کند و متقبل شده‌ام که این وظیفه علمی را با آن دوست به همکاری به سرانجام برسانم .

ورزنامه در ۱۲ جزوست و هر جزوش به ابواب متعدد تقسیم شده و خوشبختانه ترجمه عربی آن نیز دردست است به دو صورت . یکی ترجمه مستقیم است از متن اصلی و دیگر ترجمه از ترجمه پهلوی آن . پس میان ترجمه عربی دوم با متن موجود ورزنامه فارسی رابطهای محکم موجودست . در پایان ترجمه عربی آمده است : " کتاب قسطویس بن اسکورا- سینکه عالم الروم . فیما وصف ما لایستغنی عنه المزارعون و غیرهم من الناس و علم ما یفهم الله عزوجل به فی معایشهم و یسمی هذا الكتاب بالفارسیه ورزنامه و معناه کتاب الزرع و هو اثنی عشر جزءاً .

نام این مؤلف چنانکه فواءد سزگین ضبط کرده Cassianus Bassus Scholasticus است و صورت عربی آن ابن اسکوراسکینه و نه بدان وجهی که در نسخه خطی عربی آمده است . (نسخه سرای ، امانت ۱۷۰۰ ، فهرست ۷۹۰۳) . نسخه که ارزی برایم فرستاده معلوم نیست از کدام کتابخانه است . از دو ستم پروفیسور عدنان ارزی متشکرم که عکس آن را برایم فرستاده . ازین کتاب شش نسخه را فواءد سزگین شناسانده است . من کتاب در قاهره به سال ۱۲۹۳ قمری طبع شده و هنوز نتوانستم آن را به دست بیاورم . (الذریعه ۱۸ : ۱) .

۲- رشید الدین فضل الله همدانی طبیب و وزیر عهد ایلخانان و مورخ و دانشمند مشهور که بانی اوقاف ربع رشیدی و آبادان کردن بسیاری باغات و دیهها در اکناف ایران بود (در ۷۱۸ گشته شد) صاحب تصنیفی بوده است که نامش ضمن صورت تصنیفات او مندرج در وقفنامه ربع رشیدی (تهران ، ۱۳۵۵) " آثار و احیاء " آمده و مرحوم مجتبی مینوی در یاد کرد از تألیفات آن دانشمند آن را " آثار و اخبار " نام برده است (همان وقفنامه ربع رشیدی ، ص ۳۲۷) و علی الظاهر ضبط او مبتنی است بر اطلاعاتی که از نسخ خطی آثار رشیدالدین در ترکیه به دست آورده بوده است . اما اکنون از این تصنیف نسخه‌ای به دست نیست و مرحوم مینوی نوشته است : " نسخه‌ای از آن ندیده‌ام اما بعضی رسایل متفرقه هست که شاید متعلق به این کتاب بوده است مثل رساله " معرفت اشجار و نباتات " که جزء مجموعه چهار کتاب مربوط به فلاحه است . به اهتمام مرحوم میرزا عبدالغفار خان نجم الدوله (۱) چاپ شده است " (وقفنامه ربع رشیدی ، ص ۳۶ مقدمه) و بر همین اساس است که مرحوم مینوی احتمال داده است که این رساله باید جزئی از همان تألیف رشیدالدین باشد . یعنی نسخه‌ای از کتاب مذکور در اختیار مؤلف ارشاد الزراعه بوده است و اینکه او در مقدمه (خطبه) خود می‌گوید : " و در آثار آمده که روزی حضرت امیرالمؤمنین . . . " (ص ۱۲) اشاره است به کتاب آثار و احیاء یا آثار

و اخبار رشیدالدین فضل الله همدانی ولا غیر.

خوشبختانه با انتشار فهرست نسخه های خطی کتابخانه آیه الله العظمی مرعشی در قم معلوم شد نسخه ای از همین متنی که نجم الدوله به طبع رسانیده در آنجا محفوظ است و من به لطف دانشمند محترم آقای رضا استادی عکسی از آن تهیه کردم و چون تفاوتها ی نسخه بدلی میان آن و چاپ نجم الدوله دیده می شود نمی توان آن را نسخه ای دانست که در دست او بوده است.

در کتابخانه ملی (شماره ۱۵۵۲/۷) نسخه ای به نام آثار و اخبار یاد شده است که من ندیده ام و ممکن است همان باشد که نجم الدوله استفاده کرده.

اما اگر هم انتساب رساله مذکور به رشیدالدین درست نباشد باید آن را کتاب خاصی در رشته کشاورزی سنتی دانست که از اهمیت علمی و عملی خالی نیست و سزاوار آن است که دوباره به چاپ برسد.

افسوس که نشانی از نسخه خطی مورد استفاده نجم الدوله به دست نیست تا حکمی قاطع درباره کتاب کرد. کاغذ و خط و تملکات نسخه می توانست کمکی به شناسائی بیشتر آن بکند. بهر تقدیر موضوع کتاب رشیدالدین از مطالبی است که باید تحقیق بیشتر درباره آن بشود و امیدوارم در مقاله مستقلی بدان بپردازم. ناگفته نماند که رشیدالدین در صورت تاءلیفات خود نوشته است که بمانند اکثر تاءلیفات او ازین کتاب تحریر عربی هم وجود داشته است. (ربع رشیدی، ص ۲۳۷). در مقدمه لطائف الحقائق (چاپ علامرضا طاهر جلد دوم صفحه ۱۱) هم نام آثار و احیاء را آورده است.

نیز ناگفته نگذرم که رشیدالدین علاقه ای وافر به آبادانی و زراعت داشت و ضمن تأسیسات وقفی خود در تبریز باغ رشیدی و تزهت آباد را ایجاد کرد و برای عمران آنها تعدادی کشاورز از یزد آورد. (نگاه کنید به مقاله من تحت عنوان " رشیدالدین فضل الله و یزد " مندرج در " مجله ایران شناسی " شماره اول سال ۱۳۴۹ از صفحات ۲۳-۳۳).

چون متنی که نجم الدوله به چاپ رسانیده نسخش بسیار کمیاب شده است و شایستگی دارد که بهتر شناخته شود، تفصیلی را در معرفی آن مناسب می داند. نجم الدوله آن را تالیف شخص عالم و عامل و سیاحی در عهد غازان خان حدود هفتصد هجری معرفی می کند.

نثر متن و طرز بیان مطلب نشان آن است که کسی روایتی جدید از کتاب اصلی به وجود آورده چه پس از چند کلمه در حمد می نویسد: " اما بعد این فواید بر سبیل استعجال از کتاب آثار و اخبار نقل کرده می شود تا خلایق را باشد که از این بهره حاصل گردد و فی الجمله از فایده دنیائی و آخرتی خالی نخواهد بود والله المستعان و منه التوفیق ".

این کتاب که در ۱۱۶ صفحه به خط نسخ است تبویبی ندارد و مطالب با عناوین از هم جدا می شود. از این قبیل : در کیفیت محافظت تخمها و دانه ها ، در بیان آنکه از درختها کدام یک از تخم برآید ، در کیفیت و بیان نشاندن انواع درختها و میوه ها و غیره ، در کیفیت معرفت انگور ، پیوند تاک کردن ، در معرفت درخت انجیر ، در معرفت و بیان درخت انگور ... الخ . در ابتدا بحث از درختان است و سپس متعلقات آن مانند پیوندزدن ، سپس معرفت کشت حیوانات و سبزیها و بالاخره گلها .

اینک اقتضا دارد نکته هائی را که در لابلای مطالب کتاب کمک کننده در شناختن متن است بیرون بکشیم تا بهتر بتوان بدان نگریست .

— مؤلف کتاب آثار و اخبار گوید که چون من به درخت نشاندن بسیار احتیاج داشتم این تخمها بگشتم . (ص ۲)

— در ولایت همدان در شهر اسدآباد چاه سی گز و چهل گز می کنند . (ص ۴)

— مؤلف کتاب آثار و اخبار گوید که در تبریز که سردسیر است از ولایات دیگر چوب انجیر آوردم و در تبریز که هرگز انجیر نبوده نشاندم و آن زمان انجیرهای خوب پیدا شد . (ص ۷)
— و چون این معنی در یزد درست مشاهده کردم نتبع نمودم که چون آنجا آب و زمین عظیم تنگ و عزیز است (ذیل توت) . . . (ص ۲۳)

— (ذیل کنده) این ضعیف آن را به تبریز آورده و پیوند کرده . . . (ص ۳۲)

— (ذیل تریج) از این نوع درخت در سنجار دیدم و تفحص کردم که چگونه است گفتند که در کهریزها که آب گرم بیرون می آید و در جوئی که آب حمام در آن می رود در آنجا می نشاندند (ص ۳۳) . . . و این ضعیف در تبریز سالهاست که نشانیده ام و آن را در زمستان پوشیده . . . (ص ۳۵)

— بعضی مواضع بود که ریگ بوم بود و از آن به ریگ بازبل بیامیزند . . . و در بعضی ولایات دیده ام مانند یزد و ابرقو که تمامت کوجه های ایشان اندرونی و بیرونی گودهاکنده اند . پرسیدم که این گودها چیست ؟ تقریر کردند که چون مردم اینجا آب تاختن می کنند و رنگ آن زرد است باغبانان به باغات می برند . . . (ص ۷۶)

— (ذیل ذرت) و این ضعیف در تبریز و همدان و سلطانیه به کرات زرع کرده ام . (ص ۸۸)

— (ذیل رویناس) و این ضعیف به کرات تخم آن را از یزد و نائین آورده و در باغات

تبریز در مواضع و زمینی که شوره زار بود کشته . (ص ۹۴)

— (ذیل زعفران) و این ضعیف بیخ زعفران به تبریز برده و از آنجا به سلطانیه و کشته اند

بسیار بهتر از همدان شده . (ص ۱۱۳)

اطلاعات بسطی که از زبان مؤلف آثار و اخبار در باره کاغذ (ذیل توت در صفحه ۶

۲۶) و عناب (ص ۲۸) ، جای (ص ۶۲) و فور گنجشک (ص ۸۶) در چین و خطا می دهد قرینه فوی است برآنکه کتاب مأخوذ از تالیف رشیدالدین است. زیرا او بود که عده‌ای از متخصصان و علمای چینی در رشته طب و فنون دیگر به ایران آورد و به کارها گماشت و استفاده از علم چینی را برای پیشرفت علمی مملکت لازم می دانست. قرینه، روشن تر دیگر دو نکته‌ای است که درباره کاشتن درخت نارنج در مناطق سردسیر (ص ۳۳) و طرز حفاظت گندم (ص ۸۲) ، در آن مندرج است و این هر دو مطلب را رشیدالدین فضل الله با عبارتی دیگر در "وقفنامه" ربع رشیدی "هم متذکر شده است. — به طبع انتقادی آن توسط مجتبی مینوی و ایرج افشار (تهران ۱۳۵۶) مراجعه شود. بهاردر "سیکشناسی" اشاراتی به این موضوع دارد. اطلاعات جغرافیائی مربوط به گیاهان درین تالیف بسیارست و برخی تازه‌گی دارد. از قبیل اینکه دریاچه‌های کاشان زرشک می‌کاشته‌اند (ص ۳۱) و درخور آن است که همه مواد ازین قبیل از کتاب مذکور استخراج و نمایانده شود.

آنچه مؤلف از تجربه‌های خود در مورد کشتن درختان مختلف (ترنج، تابلقوا، زیتون، کتان، روبناس و... می‌آورد و در بسیاری از موارد متذکر به کشتن آنها در تبریز شده است همه گواه است بر عشق و علاقه رشیدالدین بر زراعت و آنچه از این قبیل موارد با تصریح به "این ضعیف" در کتاب دیده می‌شود قسمتهائی است از کتابی که اصل متن را در دست نداریم و صورت دستکاری شده‌اش همان که نجم الدوله چاپ کرده و باید وجود آن را مفتتم شماریم.

۳- معروفترین کتاب کشاورزی سنتی که در دست است و سه بار طبع شده است "ارشاد الزراعه" نام دارد. نخستین بار نجم الدوله آن را جزء "مجموعه" علوم ایرانی "در سال ۱۳۳۳ قمری چاپ کرد و نام مؤلف آن را "فاضل هروی" نوشت. ولی نه آنکه نام مؤلف آن "فاضل" بوده باشد، بلکه مرادش آن بود که کتاب تالیف دانشمندی از مردم هرات بوده است و طبعاً علت امر آن بود که نام مؤلف در نسخه در دسترس نجم الدوله نبوده است و ذکر فاضل هروی در آن بوده است. نام مؤلف به استناد نسخ دیگر قاسم بن یوسف ابونصری هروی است و استوری در کتاب Persian Literature قسمت کشاورزی نسبت دیگر او را "انصاری طبسی" دانسته است و ولادیمیر ایوانف در فهرست کلکنه (گوزن) آن را "طبیبی" آورده. من در مجله راهنمای کتاب (۱۰: ۲۸۱) یادداشتی درباره نام مؤلف ارشاد الزراعه بر اساس نسخه خطی مجلس شورا منتشر کردم (تهران ۱۳۴۶).

ارشاد الزراعه در یک مقدمه و هشت روضه تالیف سال ۹۲۱ هجری است و دومین بار به همت دوستم محمد مشیری به طبع رسید (تهران ۱۳۴۶). موقعی که ایشان قصد خود را بر طبع آن به من گفت و من سعادت یافتم که مقدمات کارش را برای طبع در سلسله انتشارات دانشگاه تهران فراهم کنم به ایشان یادآور شدم که نسخه‌ای مورخ سال ۹۲۷ به خط محمد مشهور به

انباردار که از مرحوم سید محمد مشکوه برای کتابخانه مجلس شورای ملی خریداری شده است از نسخه‌هایی است که نام مؤلف‌مصرحاً در آن آمده است. ایشان آن نسخه را در کارگرفت و توانست متن را به صورت قابل استفاده‌ای در دسترس قرار دهد. این نسخه خطی مجلس همراه است با "طریق قسمت آب قلب در هرات" که من نخستین بار آن را در فرهنگ ایران زمین (جلد ۱۳) چاپ کردم و بعد دوستم آقای غلامرضا مابل هروی (افغانی) به صورت بهتری آن را در سلسله انتشارات بنیاد فرهنگ ایران به چاپ رسانید (تهران، ۱۳۴۷).
نسخ دیگر ارشاد الزراعه که در خارج از ایران شناخته شده عبارت است از دو نسخه در کتابخانه آصفیه، حیدرآباد هندوستان - یکی مورخ ۹۸۶ و نوشته شده در هرات و دیگری مورخ ۱۰۱۳، نسخه کتابخانه فرهنگستان تاشکند مورخ ۱۱۹۷ و نسخه مجموعه کوزن کلکته (فهرست ایوانف) مورخ ۱۲۰۵ و نسخه قرن سیزدهم هجری کتابخانه ملی پاریس که بلوشه آن را معرفی کرده است. اطلاعات مربوط به نسخ ماء خوداستاز کتاب "تالیفات فارسی" Persian Literature تألیف کارل استوری C.A. Storey. در کتابخانه اصغر مهدوی در تهران هم نسخه‌ای هست.

آقای محمد مشیری در مقدمه ارشاد الزراعه (تهران ۱۳۴۶) گفته است که نسخه‌های مورخ ۱۱۸۲ و ۱۰۸۱ و نیز نسخه‌ای از قرن سیزدهم هجری را در دست مقابله داشته است. ضمناً نسخه‌های کتابخانه‌های سپهسالار و مرکزی دانشگاه و ملی تبریز را هم معرفی کرده است.

۴- علم فلاح دوازده بابی و آن متن خوب مختصر و قابل استفاده‌ای است در کشاورزی سنتی که نسخش نسبتاً زیاد است. کتاب در دوازده باب و یک خاتمه است و پس از نیایشهای مرسوم چنین آغاز می‌شود "... اما بعد این مختصری است در معرفت بعضی امور که فلاح را به کار آید". همان کتاب است که مرحوم نجم الدوله نسخه‌ای از آن را در دست داشت و دومین رساله است که در "مجموعه علوم ایرانی" خود در شصت و دو صفحه به طبع رسانید. من نخستین بار یکی نسخه خطی از آن را در کتابخانه مرحوم محمد شفیع عالم شهیر لاهوری در لاهور دیدم و به لطف دوستم محمد بشیر حسین عکسی از آن به دست آوردم و به استنساخ آن برای چاپ در فرهنگ ایران زمین پرداختم. در آن موقع و در آن سفر تصور می‌کردم که نسختی نایاب است. اما پس از تجسس‌ها دریافتم که نسخه‌ای از آن در کتابخانه دوست گرامی آقای فخرالدین نصیری امینی موجود است. پس آن را از ایشان برای مقابله با کتابت خود به‌مانت گرفتم. این نسخه مورخ سال ۱۲۱۹ قمری است و از نسخ کتابخانه فرهاد میرزا معتمدالدوله شاهزاده کتابدوست و کتابشناس بوده است. نخستین فایده که از این نسخه بردم اطلاعی بود درباره مؤلف رساله که در نسخ دیگری چنان اطلاعی مندرج نیست

وکسی هم متذکر این مطلب در فهرس نشده است. نکته‌ای که مفید است و تازگی دارد آنست که یکی از مالکان نسخه آن را تالیف "فاضل بیرجندی" دانسته و در جای دیگر از یادداشت‌های تملک آمده است: "مصنف رساله ملا عبدالعلی بیرجندی است صاحب متن بیست باب، چنانکه شارح بیست باب در اواخر باب دهم ذکر کرده است" و فرهاد میرزا مطلب را بدین عبارت تکرار کرده است که: "رساله در علم فلاحت از ملا عبدالعلی بیرجندی". اکنون که این سطور را می‌نویسم شرح بیست باب را زیر دست خود ندارم که بدان بنگرم و نسبت به آن نوشته مالک اظهار نظر کنم. علی‌الظاهر نباید خلاف باشد.

در متن کتاب ذکر از مؤلف نیست و نام مؤلف از همه نسخه موجود ساقط است و استوری هم متذکر نام مؤلف نشده است. نسخه‌های این متن که در فلاحت زیانزد و رایج بوده متعدد است. از جمله نسخه‌ای است در کتابخانه ملی تبریز که تاریخ کتابت ندارد. نسخه‌ای است که متاخر از قرن سیزدهم هجری نیست. این نسخه را آقای حسن عاطفی به هنگام تصحیح متن "ورزنامه" مورد استفاده قرار داده و به این نتیجه رسیده است که مؤلف آن را از روی "ورزنامه" استخراج و به زبان عصری خود پرداخته است. بدین معنی که هم آن را بسیار مختصر کرده و هم کلمات و اصطلاحات قدیم را به مصطلحات زمان خود درآورده است. آقای عاطفی نتیجه مطالعات خود را در این خصوص به صورت مقاله‌ای تحریر کرده است. و هم اکنون در اختیار من است طبع این رساله فایده بخش است و شایستگی دارد که مورد مطالعه دقیق قرار گیرد چون نسخه چاپ مرحوم نجم‌الدوله بسیار کمیاب است شایسته است که متن مذکور با مقابله نسخ قدیم به صورت امروزی و انتقادی تجدید طبع شود در یک کتاب مستقل.

ضمناً گفته شود که آقای یآوری از تحصیل کردگان رشته کشاورزی در فرانسه از روی نسخه تازه نویس به دستور شرفر مستشرق در کتابخانه ملی پاریس آن را به سلک استنساخ آورده است و چون ضمن صحبتی دلاویز قصد خود را بر چاپ آن عنوان کرد به ایشان یادآور شدم نسخ خوبتر از آن موجود است و از آن جمله است نسخه‌هایی که استوری معرفی میکند. از این شمار کتابخانه بودلیان (اکسفورد) که قبل از سال ۱۷۵۴ میلادی کتابت شده، فرهنگستان علوم تاشکند مورخ ۱۱۹۷، موزه بریتانیا که بخشی از آن مورخ ۱۲۵۱ قمری است و بخشی دیگر مورخ ۱۲۵۶، نسخه‌های دیگر متعلق به آنجا حدود سال ۱۸۵۰ میلادی، مجموعه کزن کلکته مورخ ۱۲۵۵، دو نسخه در دانشگاه پنجاب (لاهور). نسخه‌های هم ازین متن در کتابخانه مجلس شورای ملی هست. و همچنین در کتابخانه مدرسه سپهسالار (نسخه‌های ۲۸۵۸ و ۲۹۲۵) ایشان کتاب استنساخی خود را، با مقدمه‌ای به نام "مقدمه‌ای بر شناخت کشاورزی سنتی ایران - در معرفت بعضی امور که اهل فلاحت را بکار آید" (تهران ۱۳۵۹) در سلسله "مجموعه معارف عمومی، ۱۳۷" بنگاه ترجمه و نشر کتاب به چاپ رسانیده.

۵- کتاب مفصل و مهم و کم مانندی که در زمینهٔ زراعت و کلیهٔ امور مرتبط بدان از قبیل شناخت هوا و زمین و قواعد دیوانی و سیاقی محاسبات زراعی و مقیاس ها و تقسیم ارث و بنبیچه (و بسیاری مطالب دیگر) و سراسر آمیخته با موازین و مباحث شرعی و روایات و احادیث و قصص و حکایات متناسب در دست است. "مفاتیح الارزاق" است تألیف حاجی محمد یوسف نوری مقیم شیراز که به نام ناصرالدین شاه قاجار تألیف شده. مؤلف از مستوفیان قابل و زبردست و مطلع عصر خویش بود که در امور دیوانی نزد حکام فارس خدمت میکرد و آنچه در تألیف کتاب در مسائل زراعی آورده هم مبتنی بر تجربیات و مشاهدات و ماء خود از زارعین محلی و هم بر اساس تألیفات و کتب قدماست.

نسخه‌های بسیار ممتاز و مصور رنگی از این کتاب در سه جلد بزرگ به قطع رحلی متعلق به به آقای رضا هنری را برای کتابخانهٔ مرکزی و مرکز اسناد در دانشگاه تهران خریداری کردم و نیز میکروفیلم از آن تهیه شد که بتواند آسانتر در دسترس استفاده قرار گیرد و موقع خواندن صدمه‌های بتصاویر نسخه‌دارد نیاید این نسخه دارای این امتیاز است که برای هر ساله‌های از قبیل تهیهٔ کود و بذر و شخم کردن و شیار زدن و برداشت محصول و خرمن کوبی و پیبوند زنی و وزن کردن محصول و غیر آنها تصویری بسیار دلپسند و آسان دانه به آب و رنگ نقش شده است. همچنین برای یک یک درختان و گیاهان و سبزیها بر همان اسلوب نقش آفرینی کرده‌اند. از این حیث نسخه‌های واقعا "دیدنی و بی مثل است و در حفاظت آن باید دقت کامل داشت.

نسخهٔ دیگری از این متن که کامل نیست و از تصویر هم عاری است از آن کتابخانهٔ موزهٔ بریتانیا (لندن) است که ذکرش در فهرست تکمیلی مردیت اونس (ص ۹۷) بر نسخ آنجا آمده است و برای کتابخانهٔ مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه از آن میکروفیلم تهیه شد. (شمارهٔ OR. 12192 موزهٔ بریتانیا و میکروفیلم ۵۸۵۶ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران).

چون این کتاب اهمیتی بسیار دارد و معرفی آن در چند سطر موجب اتلاف حق مؤلف و بازمانی ناقصی از کتاب خواهد بود تفصیلی مجزا دربارهٔ اش نوشته‌ام که در شمارهٔ دیگر به چاپ رسانیده می‌شود.

اما گفته شود که دوست و همکار دیرینه‌ام در کتابخانهٔ مرکزی و دانشگاه تهران آقای رسول دریا گشت به درخواست و نگاه ترجمه و نشر کتاب به استنساخ آن اشتغال یافت و جلد اول را برای چاپ آماده کرد و به آنها تسلیم داشت.

۶- حاج محمد کریم خان از رؤسای شیخیه رساله‌های در علم فلاحت دارد که به چاپ رسیده است و حاوی ابواب زیر است:

مقدمه در تحریض و ترغیب به زراعت، باب اول پاره‌های از مسائل در چهار فصل، باب دوم در شروط قبل از زراعت در چهار فصل، باب سوم در آداب زراعت کردن در سه فصل، باب چهارم در

آبپاری کردن در سه فصل، باب پنجم در زورهای که به زمین دهند در پنج فصل، باب ششم در زراعت شتوی و صیفی و غرس درخت و جلوگیری کرم، باب هفتم در حصار کردن و گرجین، باب هشتم در آداب انبار کردن در دو فصل.



در اینجا نکته‌ای را باید متذکر شد که هر سیدگی عملی و دیوانی به امور کشاورزی و مسائل آن در گذشته، گوشه‌ای و باری از علم سیاق بود و اغلب کسانی که تالیفات مهم در زمین‌دارند خود در علم سیاق و مبانی قواعد دیوانی دست داشته‌اند. رشیدالدین فضل‌الله اقدم آنان است و این منشی نوری مقیم شیراز از آخرین آنها. مؤلف ارشاد الزراعه هم خود در خطبه تالیف صریحا "می‌نویسد" . . . و در خاطر چنان گذشته که مدتی . . . به تحصیل علم سیاق . . . مشغول بوده و جمع ابواب آن را کما ینبغی دانسته به عمل آورد. اکنون باز وقت آن است که در سهمی از امور سیاق مداخله نماید . . . " و مرادش تالیف کردن ارشاد الزراعه است و مؤلف مذکور رسالاتی در علم سیاق و متعلقات آن داشته است که بعضی از آنها به ضمیمه نسخه مورخ ۹۲۷ در کتابخانه مجلس شورای ملی باقی است. دنباله دارد

صورت قدیم غزلیات حافظ

نمونه‌ای است که بخط قدیم در اول یک نسخه خطی گهفته (نه دیوان حافظ) کسی یادداشت کرده (نسخه از کرامت رعنا حسینی در شیراز است).

Handwritten notes in Persian script, including phrases like "از کلام حافظ" and "صورت قدیم غزلیات حافظ".

توضیح: این نسخه از کتابخانه مجلس شورای ملی است.